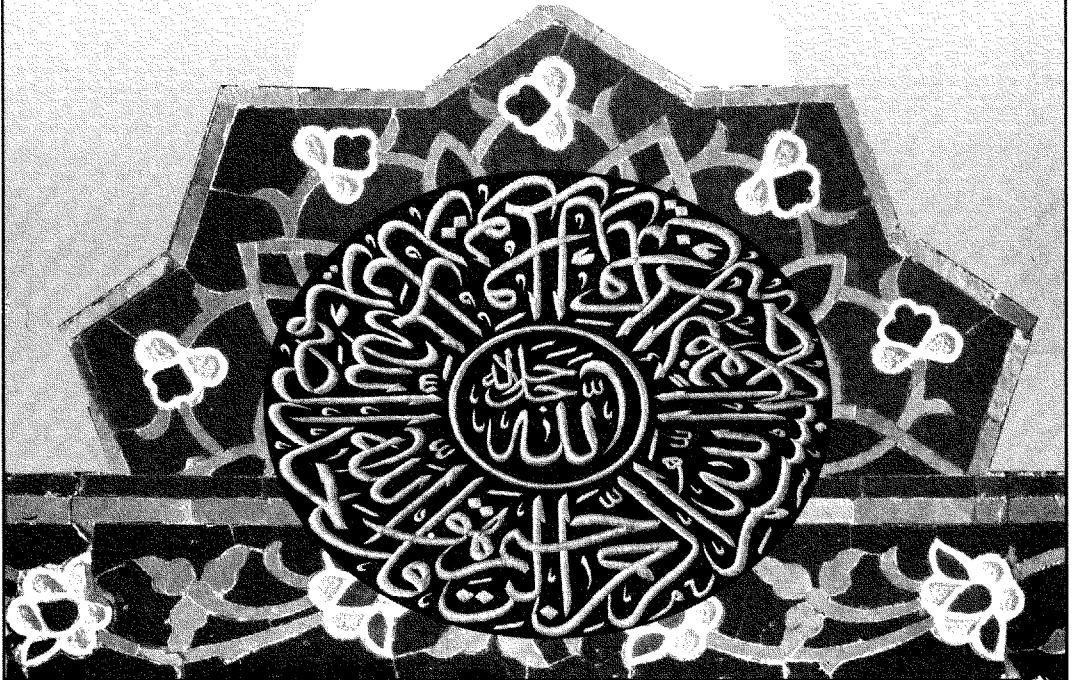


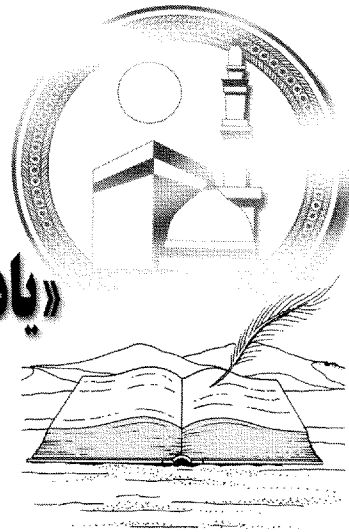
# خاطرات



## تحقیق و بررسی متن تاریخی

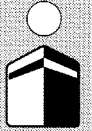
# «یادداشت‌های سفر به خانه خدا»

(۳)



حاج یوسف ناگواچانگ / رضا مرادزاده

«روز هفتم ماه شوال هجری به «دیمویا»<sup>۱</sup> رسیدم، روز هشتم عازم سفر شدم. سه روز در میان دریای نیل بودم، به «سای مونی ده»<sup>۲</sup> (صمدون) رسیدم. باز عازم سفر شدم و سوار بر الاغ به شهر «جوان تویی»<sup>۳</sup> (طنطا) رسیدم، در آن شهر آرامگاه عالم بزرگ احمد بدوی قرار دارد. روز بیست و پنجم، از شهر طنطا خارج شدم، به شهر کفر زیات رسیدم، بعداً در امتداد رود نیل رفتم تا بار دیگر به اسکندریه رسیدم. یک چمدان کوچک مسافرتی تهیه کردم؛ زیرا داخل آن اشیا و وسایل مورد نیاز جای دارد و کتاب‌هایی را که من در استانبول خریدم، به خاطر قرنطینه، عمداً این چمدان را به اسکندریه منتقل کردم. روز بیست و ششم از اسکندریه خارج شدم، ماه دوازدهم هجری (ذوالحجه) به مصر بازگشتم. قصد داشتم به زیارت خانه خدا بروم، موسم حج گذشته بود، مایل بودم در مصر سکونت کنم. زمان اوایل ماه ذیحجه سال ۱۲۶۲ هجری برابر با بیست و پنجمین سال از فرمانروایی دائو گوانگ بود، در خیابان «مشقی»<sup>۴</sup> کوچه «ام سلمه»<sup>۵</sup> بودم، نام صاحب اقامتگاه «ربیع بن رباعی»<sup>۶</sup> بود، شش ماه اقامت کردم. تا روز هشتم ماه ششم (جمادی الثانی) از مصر خارج شدم. آن سال، در چین ماه کیبسه بود، من ندانستم کیبسه آن در کدام ماه است؟! آن ماه، ماه ششم تقویم هجری هم بود.



من با حبیب، افندی و عائله آن دو، همسفر بودم. حبیب قصد داشت به زیارت خانه خدا برود، سه روز رفتم تا به سوئز رسیدیم، هشت روز ماندم. آن منطقه ساحل دریایی است که فرعون و یارانش در آن غرق شدند. اکنون نام آن، دریای فرعون است، دریای عرب هم هست. من سوار کشتی سوئز شدم، روز بیست و ششم به جده رسیدم، ماه پنجم تقویم شرق (چین) و روز هفتم ماه هفتم (رجب) هجری هم بود.»



یوسف مافوچو پس از اینکه دمیاط را ترک گفت، با استفاده از کشتی به سفر خود ادامه داد و در مسیر خود از صمدون (سای مونی ده) طنطا (جوان تویی)، اسکندریه (بی سی کن ده لینگ یه)<sup>۷</sup> و دیگر شهرها عبور کرد و به قاهره رسید. هدف این سفر عزیمت به مکه و زیارت خانه خدا بوده است، اما چون آن هنگام ماه ذیحجه بود، بنابراین مؤلف می‌گوید: «موسم حج سپری شده است» در نتیجه مدت شش ماه در قاهره سکونت می‌کند. در پی آن، یوسف مافوچو قاهره را نیز ترک کرد و از سوئز مستقیماً با کشتی به جده سفر کرد.

وی منطقه سوئز را چنین توصیف می‌کند: «آن منطقه ساحل دریایی است که فرعون و یارانش در آن غرق شدند.»

قرآن کریم در سوره بقره آیه پنجاه چنین می‌فرماید: «و دریا را برای شما شکافتیم، و شما را نجات دادیم و فرعونیان را در آن غرق کردیم و شما آن واقعه را به چشم مشاهده کردید.»<sup>۸</sup>

چنین روایت می‌کنند که فرعون فرمانروای مصر باستان، با سپاهی گران به تعقیب موسی و یارانش پرداخت و رود مواج و خروشان نیل به عنوان مانعی در برابر آنان قرار داشت. موسی با عصای خود بر سطح آب زد، ناگهان در میان رود راهی پدیدار گشت. موسی و پیروانش در این هنگام از آنجا عبور کردند. فرعون و سپاهیان هم در پی آنان رفتند، ناگهان آب رود به هم پیوست و «فرعون و یارانش» در رود نیل غرق و هلاک شدند... مکان وقوع این واقعه بنابر روایاتی، در همین منطقه جریان رود نیل و شهر سوئز بوده است.

## بازگشت و سکونت در مکه مکرمه:

«دو ماه قبل از اینکه به مکه برسم، در مکه بیماری طاعون شایع بوده، ماه هشتم هجری (شعبان)، بیماری‌های واگیر دوباره فرا رسید، علایم این مرض تهوع، استفراغ و اسهال بود، عده زیادی فوت کردند. به اندازه‌ای که پس از ادای نماز عصر، بیست و پنج تابوت را تشییع کردند. همان روز، من شنیدم که تعداد نعش‌ها تقریباً چهارصد تا بوده‌است. سپس برای چندین ماه اوضاع سالم و بی‌خطر بود. در ماه ذیحجه هجری، بیماری واگیردار مجدداً فرا رسید، چندین هزار نفر در عرفات و منا فوت کردند. در ماه نخست سال ۱۲۶۳ هجری، تب مالاریا به مکه رسید، تعداد زیادی مردند. من از مصر آمدم، در مروان اقامت کردم. ماه پنجم تقویم شرق (چین)، روز پنجم ماه رجب هجری، من از مروان به عمران نقل منزل کردم، به خانه احمد مظفر اهل جوف. در (سال) مصیبت آتش‌سوزی اقامت کردم. از باب عمره آتش به کلبه‌ای در جوار مسجد الحرام سرایت کرد. میان باب عمره و باب ابراهیم قرار داشت، از وقت نماز ظهر تا نماز مغرب، زبانه‌های آتش به داخل مسجد الحرام وارد شد. من تصمیم گرفتم عازم سفر شوم، ایوب از اهالی ایالت «شان شی»<sup>۹</sup> (در چین) با من همسفر بود، اما او مرض اسهال داشت، به منزل من انتقال یافت، بعداً بیماری او شدید شد. در آن هنگام پیغامی از جده آمد، کشتی «فلایه»<sup>۱۰</sup> چند روز دیگر حرکت خواهد کرد، اما ایوب در حال بیماری سخت و ماندگاری قرار داشت، مجبور شدم او را در خانه احمد بگذارم. ماه پنجم شرق، روز سوم ماه رجب، مظفر با من راهی شد. اوایل «شب»<sup>۱۱</sup> روز دوم ماه ششم، پیغام از مکه آمد، شبی که من عازم سفر شدم، ایوب درگذشت.»

در «یادداشت‌های سفر به خانه خدا» یک رشته مدارک و شواهد تاریخی قابل ملاحظه موجود است. در فاصله میان سال ۱۸۴۵ تا ۱۸۴۶ میلادی، در ناحیه مکه به‌طور متوالی چندین دفعه مرض «طاعون» به شدت شیوع یافت. نه تنها این مرض مدتی طولانی ادامه یافت، بلکه دامنه و وسعت مصیبت و فلاکت گسترده بود. وضعیت آن بیماری واگیردار جدی و بحرانی بود. بر اساس عوارض بیماری که شامل «استفراغ و اسهال» بوده است، می‌توان چنین قضاوت کرد که آن مرض گویا «وبای مسری» بوده



است. تنها در ظرف یک روز، حدود چهارصد نفر مردند»، و به دنبال آن در منطقه عرفات و منا نیز «چندین هزار نفر فوت کردند». سپس در ادامه آن مرض «تب و مالاریا» فرا رسید، «تعداد زیادی فوت کردند»... در بیش از یکصد سال قبل، در شرایطی که جمعیت اعراب اندک بود، این حادثه یک فاجعه و مصیبت کم نظیر بوده است. شیخ یوسف مافوچو در آن هنگام هر چند به صحت و سلامتی مسلمانان مکه علاقه‌مندی و توجه نشان داده است، اما فردی در مانده و عاجز بوده و قادر به کمک نبوده است، به ناچار عازم سفر می‌شود و به میهن خویش باز می‌گردد.

در مقاله‌ای با عنوان «مطالعات و پژوهش‌های مسلمانان ایالت یون نان در دوره چینگ پیرامون علوم اسلامی» به این نکته اشاره می‌کند که محل سکونت شیخ یوسف مافوچو در مکه، در آن روزگار با کمک مردم آن سامان به عنوان مکان یادبود دائمی حفاظت و نگهداری شده است. در سال ۱۹۳۸ میلادی، هیأت اعزامی دانشجویان چینی مسلمان مقیم مصر برای زیارت خانه خدا به مکه رفتند تا به فعالیت‌های تبلیغی علیه اشغال‌گران ژاپنی پردازند، هنوز محل سکونت قدیمی مافوچو وجود داشته است، و تعدادی از اعضای هیأت مزبور به بازدید آن مکان رفته‌اند. این نشان می‌دهد که اعراب برای دوستی سنتی خود با مردم چین ارزش زیادی قائل هستند.

### در راه بازگشت به وطن:

«روز جمعه سوار کشتی شدم. نام کشتی «فتح المبین»<sup>۱۲</sup> بود؛ یعنی سرانجام خوش یمن و خجسته، روز چهارم ماه هشتم (شعبان) هجری کشتی به راه افتاد، از طریق جُدّه حرکت کردیم، در نیمه‌های شب روشن و «درخشان»<sup>۱۳</sup> روز چهارم، کشتی به یک جزیره برخورد کرد، با صخره تصادم کرد، افراد داخل کشتی همگی نگران و مضطرب شدند، از خداوند طلب لطف و محبت می‌کردند. همه آرام و ساکت بودند، روز بیست و سوم ماه شعبان به «حدیده» رسیدیم، هشت روز اقامت کردیم. مجدداً عازم سفر شدیم، کشتی بیست و هشت روز در راه بود. به شهر «که لانگ دی»<sup>۱۴</sup> (کراچی) رسیدیم، ماه هفتم شرق، و روز هفتم ماه رمضان هجری بود، دو روز اقامت کردیم. سپس حرکت کردیم، روز بیست و ششم به شهر «آلافان په»<sup>۱۵</sup> (آلاپو) رسیدیم، پنج روز نیز در آن جا ماندیم،





همه مردم آن جا میگو صید می‌کردند. هیجده روز دیگر به سفر ادامه دادیم، روز بیستم به شهر «آچی»<sup>۱۶</sup> (یا یارجیم) رسیدیم، کشتی یازده روز در آنجا توقف کرد. ماه هشتم از تقویم شرق، روز نهم از ماه دهم (شوال) هجری حرکت کردیم. کشتی نوزده روز ایستاد، باد موافق و مساعد نبود. هجده روز رفتیم تا به «بولو بین نان»<sup>۱۷</sup> رسیدیم، اگر باد موافق و مساعد می‌بود ظرف پنج روز می‌توانستیم برسیم. در بولو بین نان توقف کردیم، روز بیست و پنجم جمعیت زیادی از کشتی پیاده شدند و همه به شهر و دیارشان مراجعت کردند.»

در ماه ژوئن سال ۱۸۴۶ میلادی، شیخ یوسف مافوچو در مسیر دریایی بازگشت به میهن، از بندر جده سوار کشتی شد و در ماه جولای به بندر کراچی رسید. با ادامه مسیر دریایی و عبور از شهر آلاپو و پندیچری (شهر آچی یا یارجیم) در هندوستان، وارد شهر پی نانگ (بولو بین نان) شد.

### دانش اندوزی و تحقیقات علمی در سنگاپور:

«در ماه نهم از تقویم شرق، روز شانزدهم ماه ذی‌قعدة هجری، از «بولو بین نان» خارج شدیم، روز بیست و چهارم به «مالاشیا»<sup>۱۸</sup> (مالزی) رسیدیم، دو روز نیز توقف کردیم. روز بیست و هفتم حرکت کردیم و به «شین گاپور»<sup>۱۹</sup> (سنگاپور) رسیدیم. در منزل نوه نایب، پسر هارون، سعید عمر اقامت کردم. عمر آدم فاضل و خردمندی بود، از اهل سوماترا، بیش از سی سال در سنگاپور مقیم است، به تجارت پر رونق و پر برکت اشتغال داشت. کتاب‌های زیادی جمع آوری کرده بود، من خیلی به آنها علاقه داشتم، دوست داشتم مدت طولانی در آن جا بمانم و تمام کتاب‌ها را مطالعه کنم.

همواره می‌شنیدم که سرزمین سنگاپور به خط استوا نزدیک است، و آن خط درست در وسط [نیمکره] شمالی و جنوبی قرار دارد و به‌طور مساوی زمین را به دو نیم تقسیم می‌کند. در آن سرزمین قطب شمال با افق هم تراز است، قطب جنوب نیز چنین است، شب و روز کاملاً برابر و یکسان است، فصل تابستان که می‌رسد شب طولانی نیست، فصل زمستان که می‌رسد شب کوتاه دیده نمی‌شود.

ایام در اعتدال بهاری و باد پاییزی قرار دارند. وقتی خورشید به جنوب متمایل می‌شود، سایه تمایل به شمال دارد. وقتی خورشید به شمال متمایل می‌شود، سایه به جنوب تمایل دارد. بنابراین، من در این جزیره یک سال اقامت کردم و به تحقیق و آزمایش پرداختم، در میان قطب نما یک سوزن عمودی نصب کردم، نقاط انقلابین و اعتدالین آن سرزمین را آزمایش کردم. نتیجه گرفتم که سخن پیشینیان (افراد قدیمی) کاملاً موثق و واقعی بود، و با آنچه برخورد کردم منطبق بود.»



شیخ یوسف مافوچو در راه بازگشت به میهن، مخصوصاً حدود یک سال در سرزمین سنگاپور به صورت موقت اقامت کرد؛ یعنی از ماه سپتامبر ۱۸۴۷ تا ماه اوت سال ۱۸۴۸ میلادی، سبب اقامت موقت وی عمدتاً به محل اقامتش مربوط می‌شد. سعید عمر تاجر بزرگ آن سامان، کتابخانه‌ای غنی داشت و شیخ یوسف مافوچو نیز «مشتاق دانش و تفکر عمیق، اهل کتاب و کتاب‌خوانی» بود، بالطبع نمی‌خواست به آسانی فرصت گران‌بهای اکتساب و ارتقای دانش خود را از دست بدهد. نکته مهم برای وی بررسی صحت و سقم نظریه تعادل (موازنه) شب و روز در سنگاپور بود که مخصوصاً مطالعات و بررسی‌هایی در محل انجام داد. شیخ یوسف مافوچو نه تنها در خصوص کتب اسلامی دانش وسیع و معلومات و دست‌آوردهای عمیق داشت، بلکه به علم نجوم، تقویم، جغرافیا و غیره نیز علاقه داشت. او آثار تخصصی گوناگونی از جمله «خوان یوشو یائو»<sup>۲۰</sup> (شرح عمده درباره کره زمین)، «تیش فانگ لی یوان»<sup>۲۱</sup> (اصول تقویم اسلامی) و غیره دارد. او گفته‌ها و توضیحات مربوط به حرکت اجرام فلکی و کیهانی و نظریه‌های نزدیک به علم نجوم معاصر را مورد انتقاد قرار داد و نظریات بی‌پایه معمولی را رد کرد، حتی سخنان و نظریات پوچ و بی‌منطق رایج در درون آیین اسلام؛ از جمله برخی مطالب یک جانبه لیوجی (۱۶۵۵ تا ۱۷۴۵ م) دانشمند بزرگ مسلمان چینی را اصلاح کرد.

از متن کوتاه اما تفصیلی زیر می‌توان به دقت نظر یوسف مافوچو پی برد:

«عقاید و نظریات قدیمی استادان فرزانه‌ام در خصوص کره زمین [چنین بود که]، برخی می‌گفتند بر سطح آب شناور است، برخی می‌گفتند زمین در جنوب ستونی دارد و به آسمان متصل است. درازای آن مستقیم به سمت شمال ادامه دارد. تمام جهات خلاء و



خالی است، [در این زمینه] بحث و تفاسیر گوناگونی وجود دارد که انسان را به خنده می‌اندازد. اثری از استاد لیوجی؛ یعنی ترجمه کتاب «تشن فانگ شینگ لی»<sup>۲۲</sup> (حقیقت دین آسمانی)، در آن نقشه حدود و خط الرأس اقالیم هفت‌گانه را ترسیم کرده است، نظم و ترتیب شکل کره زمین کاملاً گرد است، نقشه شکل و ظاهر آن را شرح می‌دهد، [البته] سخنان و نظریات بسیار پوچ و بیهوده‌ای هم اظهار شده؛ مثلاً گفته‌اند زمین در بالا و آسمان در زیر قرار دارد، پس وقتی که به نقشه لیوجی نگاه می‌کنیم، می‌توان مشاهده کرد که بر روی زمین در همه جهات آدم وجود دارد. در همه جهات آب وجود دارد. همه جهات آسمان دارد، درباره سخن کاملاً گرد [بودن زمین] مسلماً شک و تردید کافی وجود ندارد، اما نقشه اقالیم هفت‌گانه استاد لیوجی، فقط یک طرف زمین را کاملاً گرد انجام داده، وقتی که تا آن زمان چنان نقشه‌ای رسم نشده بود، استاد آن قسمت دیگر را از کجا دانسته بود؟ یعنی همان چیزی که چینیان آن را «هواچی گوا»<sup>۲۳</sup> (نیمکره غربی) می‌نامند...

استاد لیوجی هم از روی (مطابق) مطالبی که قدیمی‌ها به ارث گذاشته‌اند، نسخه برداری و ثبت کرده است، در آن روزگار هنوز قطب نما، کشتی بخار (دودی) و دیگر ابزار وجود نداشت، از کجا توانسته‌اند بررسی و آزمایش کنند؟ پس اگر یک طرف [زمین را] کاملاً گرد ترسیم کرده، در نتیجه علت آن را می‌دانسته است. من به مکه و جهان عرب سفر و در آن جاگردش و سیاحت کردم. کتاب‌های زیادی جمع‌آوری کردم، متوجه شدم نسل‌های بعدی کتاب‌ها و نقشه‌هایی نوشته و رسم کرده‌اند که در مقایسه با پیشینیان مفصل و دقیق‌تر بود، که می‌تواند قسمت‌های نادرست و ناقص نقشه استاد لیوجی را تکمیل کند. علاوه بر این شخصاً ادوات و ابزارهای عجیب و غریب زیادی از جمله قطب نما و کشتی بخار دودی که انسان‌های فعلی استفاده می‌کنند مشاهده کرده‌ام، [که نشان می‌دهند] مطالعات و بررسی‌ها و آزمایش‌ها صحیح و دقیق هستند. برای مدتی طولانی بازرگانان و تجار زیادی رفت و آمد کرده‌اند، که تعداد آنان از هزاران نفر کمتر نیستند. زمانی که من به روم (مصر) رسیدم، در آن منطقه ده‌ها نفر را ملاقات کردم، در خصوص فرضیه و سخنان مربوط به آن سوی کره زمین (نیمکره غربی) پرسش و تحقیق کردم، همه می‌گفتند نیمه‌های شب در سرزمین ما نیمروز آن



طرف کره زمین است، در آن صورت به گرد بودن کامل زمین می توان ایمان و اعتقاد داشت.»

حاج شیخ یوسف مافوچو مطالعات و آزمایش هایی درباره تعادل (موازنه) شب و روز در منطقه سنگاپور انجام داد. او در خصوص بررسی های خود چنین می گوید: «در میان قطب نما یک سوزن عمودی نصب کردم، نقطه انقلاب و نقطه اعتدالین آن سرزمین را آزمایش کردم، نتیجه گرفتم که سخن افراد قدیمی کاملاً موثق و واقعی بود و با آنچه مواجه شدم منطبق بود.»

به دلیل چرخش کره زمین بر گرد محور خود، در نیمکره ای که رو به خورشید قرار دارد روز است، و در نیمکره ای که پشت به خورشید دارد شب است. نور خورشید به نوبت بر سطح نیمی از کره زمین می تابد، در نتیجه حالت جایگزینی و تناوب روشنایی روز و تاریکی شب پدید می آید. هنگامی که شعاع (پرتو) مستقیم نور خورشید بر خط استوا قرار می گیرد، مدارهای روز و شب که از دو قطب شمال و جنوب عبور می کنند به همراه یک رشته نصف النهار به دو قسمت تقسیم می شوند؛ قسمت روشن را «دایره روشنایی» و قسمت تاریک را «دایره تاریکی» می نامند. تعداد «دایره روشنایی» و «دایره تاریکی» با هم برابر هستند، در نتیجه میزان روشنایی و تاریکی در نیمکره شمالی و جنوبی ۱۲ ساعت است. منطقه سنگاپور در نزدیک «خط استوا» قرار دارد، و شعاع (پرتوهای) مستقیم نور خورشید «دایره روشنایی» و «دایره تاریکی» را به دو قسمت مساوی تقسیم می کند. بنابراین، «شب و روز کاملاً منطبق و یکسان است، تابستان که فرا می رسد شب طولانی نمی شود، زمستان که فرا می رسد روز کوتاه نمی شود» این مطلب بر پایه واقعیت طبیعی و جغرافیایی صحیح و قابل اعتماد است.

سپس از سنگاپور حرکت کردم، ماه دهم (شوال المکرم) سال ۱۲۶۴ هجری، و روز پانزدهم ماه هشتم از تقویم چینی شرق در بیست و هشتمین سال از فرمانروایی امپراتور دائو گوانگ بود. ناخدای کشتی یک بنگالی غیر مسلمان بود. نام کشتی «دیا لانگ لان میا لان»<sup>۲۴</sup> بود، به خاطر باد موافق و مساعد پنج روز در راه بودیم. روز بیستم دکل وسط کشتی مورد اصابت رعد و برق قرار گرفت، بخشی از جلوی کشتی خرد و شکسته شد، کف کشتی نیز آسیب و



صدمه دید و بیش از یک «چی»<sup>۲۵</sup> از دکل عقب کشتی هم صدمه و آسیب دید، اما کسی کشته نشد.

افراد داخل کشتی همه مضطرب و ترسیده بودند. می‌ترسیدیم که آتش به داخل کابین کشتی وارد شود. کشتی پر از پنبه بود. همچنین می‌ترسیدیم کف کشتی از بین برود. به مدد لطف و محبت پروردگار، حتی یک نفر هم زخمی و مجروح نشد. در ماه نهم از تقویم شرق، روز پانزدهم ماه یازدهم (ذی قعدة) هجری، سالم و تندرست به ایالت «گوانگ دونگ»<sup>۲۶</sup> [در سواحل جنوب شرقی چین] رسیدیم، در مسجد خیابان «هائوپان»<sup>۲۷</sup> منزل کردم. نزدیک یک تجارتخانه خارجی بود. در آنجا فردی از «من بویی»<sup>۲۸</sup> بود، خیلی مرا عزیز و دوست داشت. پیشوا و شیخ آنجا جعفر بود. من در آنجا صد روز اقامت کردم. ماه دوازدهم از بیست و هشتمین سال از فرمانروایی دائو گوانگ، روز بیستم ماه دوم (صفر) هجری به راه افتادم. سال ۱۲۶۵ هجری قمری بود، در شهر «جائو چینگ»<sup>۲۹</sup> منزل کردم. منتظر یک همسفر بودم. روز هشتم از ماه نخست بیست و نهمین سال فرمانروایی دائو گوانگ، از شهر جائو چینگ خارج شدم. روز چهاردهم ماه چهارم (ربیع الاول) هجری، به شهر «وو جو»<sup>۳۰</sup> رسیدم. روز بیست و پنجم، به شهر «شون جو»<sup>۳۱</sup> وارد شدم. ماه دوم از تقویم شرق، روز چهاردهم ماه چهارم (ربیع الثانی) هجری به شهر «نان نینگ»<sup>۳۲</sup> رسیدم. روز بیست و هفتم به شهر «بی سای»<sup>۳۳</sup> رسیدم. از گوانگ دونگ تا بی‌سای، با کشتی در رودخانه سفر کردم. ماه سوم از تقویم شرق، روز بیستم از ماه پنجم (جمادی الاول) هجری، از شهر «بی سای» عازم سفر شدم. در ماه چهارم از تقویم شرق، روز بیست و چهارم ماه ششم (جمادی الثانی) هجری به خانه رسیدم.»

حاج شیخ یوسف مافو چو در آخرین مراحل بازگشت به وطن، از مسیرهای زیر عبور کرد. در هشتمین ماه از تقویم شرق (بیست و هشتمین سال از فرمانروایی دائو گوانگ) برابر با سال ۱۸۴۸ میلادی با استفاده از یک کشتی «بنگالی»، سنگاپور را به قصد چین ترک گفت، و در ماه نهم به گوانگ جو در جنوب شرقی چین بازگشت و در این شهر یکصد روز توقف کرد. ماه دوازدهم شهر گوانگ جو را ترک کرد و سوار بر یک قایق چوبی، بر روی رودخانه جاری در دو ایالت گوانگ دونگ و گوانگ شی به پیش



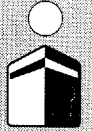
رفت و با عبور از شهرهای جاثو چینگ، گویی پینگ<sup>۳۴</sup> (= شون جو) و نان نینگ به شهر «بای سه»<sup>۳۵</sup> (بی سای) رسید، باز از راه زمینی سفر کرد. در ماه چهارم تقویم شرق (بیست و نهمین سال از فرمانروایی دائو گوانگ) برابر با سال ۱۸۴۹ میلادی به زادگاهش در ایالت یون نان بازگشت.

شیخ یوسف مافوچو در ماه دهم (سال بیست و یکم دائو گوانگ) ۱۸۴۱ میلادی از کشور چین خارج شد و ماه پنجم (سال بیست و نهم دائو گوانگ) ۱۸۴۹ میلادی به وطن خود مراجعت کرد. مدت سفر وی هشت سال به طول انجامید. این مسافرت یک «سیر و سیاحت تاریخی و با شکوه» در تمام طول زندگی مافوچو به شمار می‌رود. او چندین هزار کیلومتر راه طولانی زمینی و دریایی را پیمود و چندین کشور عربی و آسیایی را زیر پا درنوردید. نه تنها افق دید و بینش وی وسعت و گسترش یافت، بلکه با طبقات و اقشار مختلف مردم آن مناطق؛ به ویژه با دانشمندان و صاحب‌نظران به‌طور وسیع و همه‌جانبه دوست شد، و مبادلات فرهنگی و علمی میان شرق و غرب را گسترش و توسعه داد، و در زمینه سیاسی هم دستاوردهای بزرگی به ارمغان آورد و برگسترش و رشد اسلام در سرزمین چین تأثیر عمیقی بر جای نهاد و این امری کاملاً مورد تأیید و تصدیق است.

### در بیان هزینه و مسیرهای سفر به خانه خدا

«تاکنون به این مطلب پی برده‌ام که برای رفتن به سفر حج دو راه وجود دارد: یک راه از آوا، یک راه از بی سای. از آوا با کشتی در دریا، در جهت مسیر آب حرکت می‌کنند و به یانگ گونگ<sup>۳۶</sup> می‌رسند. اگر جریان آب قوی باشد، در پانزده روز می‌توان رسید. اگر جریان آب ضعیف باشد، یک ماه باید انتظار کشید. نرخ کشتی ۱۰ سکه است، پول نقره برای هزینه سفر خرج می‌شود، برای افرادی که در کشتی حضور دارند، برای هر نفر قیمت کشتی ۱۰ روپیه است. روپیه یک پول نقره است، وزن آن سه «چیئن»<sup>۳۷</sup> (پانزده گرم) است. به بنگلادش می‌رسند، که در شمال غرب قرار دارد. از بنگلادش تا جُدّه، سوار بر کشتی بزرگ در داخل دریاها و پهناور، به جانب غرب سفر می‌کنند. در باد موافق و مساعد، چهل روزه می‌رسند، اگر سریع برود. یا دو ماه یا هفتا روز، اگر متوسط برود. اگر باد مساعد و موافق نباشد، یا بادی نباشد، چهار ماه، پنج ماه طول





می‌کشد. قیمت کشتی برای هر نفر پنجاه ریال است، که پول نقره است. وزن آن هفت «چین» (۳۵ گرم) است، اگر کالا و جنس زیادی همراه داشته باشی، بیست ریال هزینه فرد سوار بر کشتی می‌شود، هیزم در کابین کشتی وجود دارد.»

در پایان کتابچه «یاد داشت‌های سفر به خانه خدا» معلومات و مدارک تاریخی بسیار ارزشمندی درباره مسیر رفت و آمد دریایی از چین به سوی ممالک عربی، زمان مورد نیاز برای مسافرت، مخارج کشتی، وزن روپیه نقره‌ای میانمار و ریال نقره‌ای ممالک عرب مورد استعمال در آن روزگار و دیگر موارد ارائه و ثبت شده است. این راه موصلاتی دریایی از زمان‌های دیرین برقرار بوده و همان جاده بسیار مشهور «راه ادویه» است که از فاصله‌ای دور در برابر «جاده ابریشم» زمینی می‌درخشد.

بر اساس منابع و مآخذ تاریخ عرب، در روزگاران قدیم، در دوره حکومت سلسله‌های چینی «وی»<sup>۳۸</sup> (۲۲۰ تا ۲۶۵ م)، «جین»<sup>۳۹</sup> (۲۶۵ تا ۴۲۰ م) و سلسله «جنوب شمال»<sup>۴۰</sup> (۴۲۰ تا ۵۸۹ م) قایق‌ها و کشتی‌های چینی و هندی وارد خلیج فارس می‌شدند و در آبراهه‌های عربی کشتی رانی می‌کردند. در دوره حکومت سلسله‌های «سویی»<sup>۴۱</sup> (۵۸۱ تا ۶۱۸ م) و «تانگ»<sup>۴۲</sup> (۶۱۸ تا ۹۰۷ م) رفت و آمدها بیشتر از گذشته در جریان بود، در عصر حکومت «جن یوان»<sup>۴۳</sup> (۷۸۵ تا ۸۰۵ م) از امپراتوران سلسله تانگ، صدر اعظم وی به نام «جیان دان»<sup>۴۴</sup> (۷۳۰ تا ۸۰۵ م) نقشه راه‌های چین به سوی کشورهای خارجی را ترسیم و یادداشت کرد و به صورت مفصل و دقیق درباره این مسیرها توضیح داد. سفر شیخ یوسف مافوچو برای زیارت خانه خدا از شهر رانگون و از مسیر دریایی آغاز شد و اساساً در امتداد مسیر دریایی «جاده ابریشم» و با عبور از اقیانوس هند و دریای سرخ وارد شبه جزیره عربستان شد.

در صفحات پایانی «یاد داشت‌های سفر به خانه خدا» چنین آمده است:

«منازل و مسیرهای زمینی از راه شمال به سوی خانه خدا از این قرار است: جیاویگوان<sup>۴۵</sup> (دروازه یشم در غرب چین) تا هامی<sup>۴۶</sup> هجده منزل، از هامی تا تورفان<sup>۴۷</sup> دوازده منزل، از تورفان تا خالاشی (یان چی)<sup>۴۸</sup> نه منزل، از خالاشی تا آقسو هفده منزل، از آقسو تا کاشغر هجده منزل، از کاشغر تا ووشی‌گان (اوجی گان)<sup>۴۹</sup> پنج منزل، از اوشی گان تا اندیجان (ان جی یان)<sup>۵۰</sup> یک منزل، از



اندیجان تا مرلان (مرگلان)<sup>۵۱</sup> دو منزل، از مرلان تا خوقند دو منزل، از خوقند تا خوجند (لینن آباد) دو منزل، او خوجند تا اورتبای (اولاتی یوب)<sup>۵۲</sup> دو منزل، از اورتبای تا جیزائوچی<sup>۵۳</sup> (جیزاک) دو منزل، از جیزاک تا سمرقند دو منزل، از سمرقند تا قتورقند دو منزل، از قتورقند تا کینی مونا<sup>۵۴</sup> (کرمینیه) دو منزل، از کینی مونا تا بخارا دو منزل، از بخارا تا خالخور<sup>۵۵</sup> (فاریاب) یک منزل، از فاریاب تا چارجو<sup>۵۶</sup> دو منزل - در این جا رود جیحون قرار دارد - از چارجو تا شهر سیحون چهار منزل، از شهر سیحون تا سرخس چهار منزل، از سرخس تا مشهد چهار منزل، از مشهد تا شهر ری (تهران) چهار منزل، از تهران تا همدان شش منزل، از همدان تا کرمانشاه هفت منزل، از کرمانشاه تا بغداد ده منزل است. این راه شرق مستقیماً به سوی غرب درست است.

از بخارا به سمت تاخاش (کارشی)<sup>۵۷</sup> سه منزل، از خاش تا بلخ هفت منزل، از بلخ تا مزار شریف پنجاه «لی»<sup>۵۸</sup>، از مزار شریف تا دوشخور (دوشی)<sup>۵۹</sup> یک منزل، راه و گردنه‌ها باریک و خطرناک است. از دوشخور تا کابل پانزده منزل، از کابل تا غزنه شش منزل، از غزنه تا قندهار شش منزل، از قندهار تا فوشن (پی جیا)<sup>۶۰</sup> شش منزل، از فوشن<sup>۶۱</sup> تا کلاتینا<sup>۶۲</sup> (جی دا)<sup>۶۳</sup> شش منزل، از کلاتینا تا بایلان (بی لا)<sup>۶۴</sup> چهارده منزل، از بایلان<sup>۶۵</sup> تا دریای بزرگ چهار منزل، سفر با کشتی در صورت وزش باد مناسب ده منزل، از بغداد به سوی شمال که سفر کنی تا کرکوک هفت منزل، از کرکوک تا موصل چهار منزل، از موصل تا موردان (مارتینگ)<sup>۶۶</sup> ده منزل، از موردان (با تمن کنونی) تا دیار بکر دو منزل، از دیاربکر تا اورفا چهار منزل، از اورفا تا بیرجیک هفت منزل، از بیرجیک تا قاضی انتب دو منزل، از قاضی انتب تا حلب چهار منزل، از حلب تا حماء چهار منزل، از حماء تا حمص دو منزل، از حمص تا دمشق پنج منزل، از دمشق تا بیت‌المقدس هشت منزل، از بیت‌المقدس تا مصر (قاهره) پانزده منزل است. از قاضی انتب به سوی غرب تا چی لیس<sup>۶۷</sup> (جیلیس) یک منزل، از جیلیس تا انطاکیه سه منزل، از انطاکیه تا لاذقیه سه منزل، از لاذقیه تا طرابلس سه منزل، از طرابلس تا عکا پنج منزل، از عکا تا یافا دو منزل است.»

ارتباط و مناسبات زمینی چین با ممالک غربی و آسیای غربی به زمان امپراتوری «وودی»<sup>۶۸</sup> از سلسله هان<sup>۶۹</sup> (۱۴۰ تا ۸۵ قبل از میلاد)<sup>۷۰</sup> بر می‌گردد. در آن زمان «جانگ



چیان»<sup>۷۱</sup> به فرمان امپراتور به سرزمین‌های واقع در غرب چین سفر کرد. در سال‌های حکومت امپراتور «یونگ یوان»<sup>۷۲</sup> (۸۹ تا ۱۰۴ م) از سلسله «هان پسین»<sup>۷۳</sup> (۲۵ تا ۲۲۰ م)، ژنرال «گن یینگ»<sup>۷۴</sup> به دستور جانگ چیان به سرزمین‌های غربی مسافرت کرد و به سرزمین تیائوجی (سوریه و بین‌النهرین) رسید. افراد بعدی به رفت و آمد در این مناطق ادامه دادند، و سرانجام مسیر «جاده ابریشم» که بیش از هزار سال شکوفا و پر رونق بود، افتتاح شد. «جیادان» صدر اعظم امپراتور «جن یوان» (۷۸۵ تا ۸۰۵ م) از سلسله تانگ نیز به رفت و آمدهای میان چین و سرزمین‌های غربی در آن مناطق اشاره کرده است. این جاده ارتباطی با غرب عمدتاً متعلق به حوزه و قلمروی «جاده ابریشم» بود؛ یعنی از مرزهای شمال چین آغاز و به تالاس می‌رسید و دوباره به سوی غرب پیش می‌رفت و با عبور از سرزمین ایران به قسطنطنیه (استانبول) پایتخت بلاد اسلامی می‌رسید. در خصوص «منازل و مسیرهای جاده شمالی سفر به خانه خدا» که در متن «یادداشت‌های سفر به خانه خدا» آمده است، باید به این نکته مهم اشاره کرد که جیادان به عنوان یک جغرافیدان، مسیر شمالی را شخصاً پیموده، اما یوسف مافوچو آن راه را نپیموده است. با وجود این به طور دقیق و مفصل منزل‌گاه‌های مسیر و شهرهای سر راه را ثبت و یادداشت کرده است، البته اسامی گذشته و حال آن مناطق متفاوت است، اما تحقیق و بررسی پیرامون یکایک آنها دشوار نیست.

حجم کتابچه «یادداشت‌های سفر به خانه خدا» کوچک و تعداد علامت‌های نوشتاری چینی آن نیز محدود است و شامل مجلد و فصل بندی نیست، اما این کتابچه حاوی مدارک و اسناد مفیدی است که به‌طور مشخص و موثق، سیمای تاریخی آن روزگار را منعکس می‌کند و بخشی از خلاء موجود درباره ارتباطات خارجی دوره چینگ را پر می‌کند؛ به ویژه فعالیت‌های علمی و مطالعات دراز مدت یوسف مافوچو در سرزمین‌های عربی و آسیای غربی نشان‌گر تبادلات علمی چین با کشورهای عربی است. این روابط ریشه در روزگاران گذشته دارد، و این کشورها همواره مناسبات رو به رشدی داشته‌اند. این سفرنامه همچنین بیانگر رفت و آمدهای دوستانه مردم چین و اعراب می‌باشد که این دوستی‌های عمیق و ریشه‌دار آنها را به یکدیگر پیوند زده است. این‌گونه مراودات و دوستی‌ها سنتی در عصر حاضر هم سزاوار ستایش، تحسین و تشویق است.<sup>۷۵</sup>



1. dimu ya.
2. Sai mo ni de.
3. Zhuan tui.
- 4 . Mu xi qi.
- 5 . Gu mu sai Lue mai.
6. Lei bute bai. lei baili.
7. yi si kan de ling ye.
9. shan xi.
- 10 . Falei ye.
- 11 . She er bo.
- 12 Fa taha mu bo le.
13. Cha he shan.
14. Ke lang di.
- 15 . A la Fan ye.
- 16 . A qi.
17. bu lu bin nan.
18. Ma la xia.
19. xin ge puer.
20. Huan ya shu yao.
21. Tian Fang Li Yuan.
22. Tian Fang xing Li.
23. Hua qi guo.
24. di ya Lang Lan mi ya Lan.
۲۵. chi: چی: واحد طول در چین قدیم. هر «چی» معادل ۳۳ سانتی، مترجم.
26. guang dong.
27. Hao pan.

۸. بقره: ۵۰

28. men bo yi.
29. zhao qing.
30. wu zhou.
31. xun zhou.
32. Nan ning.
33. Bei sai.
34. Gui ping.
35. Bai se.
36. yang Gong.
37. qian.
38. Wei.
39. Jin.
40. Nan bei chao.
41. Sui.
42. Tang.
43. zhen yuan.
44. Jia dan.
45. jia yu guan.
46. ha mi.
47. tu er Fang.
48. yan qi.
49. wu zhi gen.
50. An ji yan.
51. ma er ge lan.
52. Wu lati you bie.
53. zhi zao qi.
54. ke nimo na.
55. Hei le huer.
56. cha er zhu.
57. Ka er xi.

۵۸. li: واحد طول در چین قدیم، هر «لی» معادل ۵۰۰ متر است. (مترجم)

59. Duo xi.





60. Pi jia.
61. Fu shen.
62. Ke La ti na.
63. ji da.
64. Bai Lan.
65. Bi La.
66. Ma er Ting.
67. qi li si.
68. wu di.
69. Han.
70. Zhang qian.
71. yong yuan.
72. Hou han.
73. Gan ying.
74. Tiao zhi.

۷۶. مترجم پس از انتشار نخستین قسمت از این مقاله، در شماره ۳۷، فصلنامه «میقات حج» را به همراه نامه‌ای برای استاد حاج سید یوسف ناگوا چانگ (Na guo Chang) فرستاد. ایشان در پاسخ با ارسال نامه‌ای برای مترجم به تاریخ روز عید قربان (۱۴۲۲ ق. / ۲۰۰۲ م)، پس از ابراز بهترین درود و تحیات اسلامی خویش چنین نوشته‌اند:

مسلمانان چین از زحمات و تلاش‌های فراوان جناب عالی برای ترجمه «یادداشت‌های سفر به خانه خدا» نوشته استاد بزرگ بابا فوجو به زبان فارسی تشکر و سپاسگزاری می‌کنند. جناب عالی با این اقدام، خدمت بسیار بزرگی به مبادلات فرهنگی چین و ایران نموده‌اید. من مقاله تحقیق و بررسی متن تاریخی «یادداشت‌های سفر به خانه خدا» را در اکتبر سال ۱۹۸۱ میلادی به هنگام شرکت در «کنفرانس تحقیقات علمی اسلام، در پنج استان و منطقه شمال غرب چین» (شین جیانگ، چینگ‌های، شان شی، گنسو، نینگ‌شیا) ارائه کردم. در آن زمان، من در مدرسه متوسطه یک روستا مشغول تدریس بودم و به اسناد و منابع کافی دسترسی نداشتم، از این رو، پاره‌ای از اشتباهات و اشکالات موجود در مقاله را قبول دارم. البته این اشتباهات اندک را بعدها در مقاله «مافوجو - آموزگار پرآوازه علوم اسلامی چین» اصلاح و تصحیح کردم، که متمنی است به آن مراجعه کنید.

ناگوا چانگ

عید قربان ۲۰۰۲ میلادی - کونمینگ - چین

